



## تقریر درس خارج فقه الصلاة آیت الله اراکی دامت برکته

مقرر	حجت الاسلام مرتضی اسدیان	جلسه	۳۵	تاریخ	۱۴۰۰/۰۹/۰۹
عنوان ۱	نماز مسافر				
عنوان ۲	شروط تقصیر				
عنوان درس حاضر	شرط سوم از شروط تقصیر: استمرار القصد				

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین.

بحث ما در شرط سوم از شرائط سوم در وجوب تقصیر است که عبارت بود از: استمرار قصد مسافت. در وجوب تمام، فرقی نیست بر کسی که قصد مسافت او استمرار ندارد، بین اینکه به طور کلی از قصد سفر برگردد و یا در وسط راه مردّد بماند؛ مثلاً قصد مسافت داشت اما در دو فرسخی یا سه فرسخی تردید برای او حاصل شود و به تصمیم نرسیده و با حال تردد مانده و لذا باید تمام بخواند و قصد استمرار او منقوض شده است و در اینجا از قصد بیرون آمده و دیگر قصد استمرار بر قطع مسافت برای او حاصل نیست لذا یجب علیه التمام.

لذا کسی که به دو فرسخی رسیده است اگر:

۱. عزم بر برگشت دارد: باید تمام بخواند.
  ۲. قصد اقامه ده روز داشته باشد: باید تمام بخواند.
  ۳. مردد بماند نمی داند برگردد یا قصد دهه کند آنجا، یا ادامه دهد: در این صورت اگر مردد باشد با زهم یجب علیه التمام.
  ۴. اگر قصد مسافت داشته باشد مستمراً، یجب علیه التقصیر.
- بحث ما درباره فروع مسأله استمرار قصد بود:

فرع اول: استمرار حاصل نشد و لو به اینکه مردد شد برگردد یا سفر را ادامه بدهد یا قصد اقامه کند گفتیم چنین شخصی چون استمرار القصد بر او مشخص نیست یجب علیه التمام. و دلیل آن هم همان دلایل اثبات شرطیت استمرار قصد در وجوب تقصیر است. پس فرع اول: تردد بود و زوال قصد سابق به تردد یا به عزم علی العود و یا به عزم علی الاقامة عشرة ايام که در این فرض یجب علیه التمام.

فرع دوم: اینکه می گوییم یکی از شرایط وجوب تقصیر یا شکسته خواندن نماز چهار رکعتی استمرار قصد است! مراد قصد مسافت شخصیه نیست بلکه نوع المسافه مد نظر است.

اگر کسی فرض کنید می خواهد از قم سفر کند سفر او به قصد کاشان است و از شهر خارج می شود، مسافت شخصیه یعنی قصد مسافت تا کاشان حالا اگر قصدش را به رفتن به شهر دلیجان عوض کرد و آن جای دیگر هم یا باقی مانده سفر

به جای دیگر به ضمیمه مقداری که قبلاً رفته روی هم رفته مسافت است یا از همین جا هم به مکان دوم برود باید مسافت را طی کند.

پس مکان دیگر دو فرض دارد:

۱. از نقطه‌ای که قصدش عوض شده تا مکان دیگر مسافت است: اینجا باید شکسته بخواند.
  ۲. اگر بعد از اینکه قصد او عوض شد و تصمیم گرفت به شهر دیگری برود باقی مانده مسافت تا شهر دیگر به قدر مسافت نیست دو فرسخ آمده و شهر دیگری که می‌خواهد برود هم دو فرسخ مسافت دارد و با ضمیمه دو فرسخ ابتدایی و باقی مانده سفر او روی هم رفته هشت فرسخ می‌شود اما اگر جدا حساب کنیم و سفر از وقتی که تبدل نیت حاصل شد حساب کنیم مسافت نیست اینجا بحث واقع شده: که باید شکسته بخواند یا تمام بخواند؟
- حق این است که به نظر ما تقصیر واجب است.

چرا؟ چون آنچه موضوع وجوب تقصیر است قصد المسافة است و نه هشت فرسخ رفتن به مکانی خاص و نه شخص المسافه.

اگر قصد به شخص المسافه معتبر بود و استمرار به همان معتبر بود خب اینجا قصد به شخص المسافه او قصد مسافت نیست زیرا قبل از تبدل قصد او دو فرسخ است و بعد از تبدل هم ۶ فرسخ است و هیچ یک قصد به هشت فرسخ نیست این در صورتی است که آنچه موضوع وجوب تقصیر است قصد شخص المسافه باشد اما اگر آنچه موضوع وجوب تقصیر است قصد نوع المسافه باشد یعنی قصد به هشت فرسخ حال به هر طرفی باشد این مهم نیست.

ولذا حق این است که موضوع وجوب تقصیر نوع المسافة بودن است و مهم این است که هشت فرسخ برود.

دلیل نوع المسافه بودن هم ظهور روایات است که سؤال می‌کنند از امام علیه السلام که «فِي كَمْ يُقَصِّرُ الصَّلَاةُ؟»<sup>۱</sup> امام علیه السلام می‌فرمایند در هشت فرسخ! که شامل مطلق هشت فرسخ هم می‌شود، البته روایات خاصه هم داریم که خواهیم آورد. پس علاوه بر اینکه مقتضای روایات وجوب التقصیر که تقصیر را متوقف بر بریدین و یا ثمانیه فراسخ نموده و نوع آن را اراده کرده علاوه بر آن روایات خاصه هم برای این مطلب وجوب دارد.

از عبارات شهید رحمته الله در روح الجنان برمی‌آید که ایشان قائل به شخص المسافه هستند.

به هر حال، سه نوع اشکال بر این مبنای نوع المسافه بودن مطرح شده است:

اشکال اول: المقدار المعدول علیه، لم یکن مقصوداً و ما قصد لیس مسافة.

یعنی مقداری که قصد داشته و با قصد رفته اینکه به مسافت نرسیده است و در دو فرسخی قصد او عوض شد پس مقصود او، مسافت نبود اینی هم که از این پس طی می‌کند مسافتی است که با ضم مسافت قبل روی هم رفته مسافت می‌شود مقصود نبوده است. مقصود او کاشان بود و در دو فرسخی قصد او عوض شد و لذا مقصود مسافت نیست و منضم الیه هم مقصود او نبوده است. پس سفری که هم قطع مسافت باشد و هم مقصود باشد وجود ندارد.

پاسخ اشکال اول: به عقیده ما موضوع وجوب تقصیر قصد مسافة المعينة المقصودة نیست بلکه قصد المسافة است.

۱. [وَعَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحَسَنِ عَنْ زُرْعَةَ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُسَافِرِ فِي كَمْ يُقَصِّرُ الصَّلَاةَ فَقَالَ عليه السلام: فِي مَسِيرَةِ يَوْمٍ وَ ذَلِكَ بِرَيْدَانٍ وَ هُمَا ثَمَانِيَةُ فَرَاسِخٍ الْحَدِيثُ]؛ وسائل الشيعة؛ تتمه كتاب الصلاة، ابواب صلاة المسافر، باب ۵، ح ۸.

از عبارتی که قبلاً گفتیم روشن شد که موضوع وجوب تقصیر قصد مسافة المعينة المقصودة نیست بلکه قصد المسافة است و این قصد المسافة از وقتی خارج شده از شهرش تا برگردد به شهرش همچنان هست از شهر خارج شد مع قصد المسافة و تبدیل هم کرد باز هم هنوز قصد المسافة هست و منضمّ الیه با هم مسافت است و قصد مسافت به طور کلی بوده و تا آخر هم ادامه دارد و همین برای وجوب قصر کافی است بنابر نصوص و روایات بلکه قصد مسافت مخصوص منتفی شده است و قصد دیگری به جای آن آمده اس تماماً قصد مسافت به طور کل همچنان از ابتدا تا پایان سفر ادامه دارد.

**اشکال دوم: دو قصد سفر کرده، اولی که بریده شده و دومی هم که مسافت نیست، پس باید تمام بخواند و نه قصر.**

کسی که از شهر خود خارج شده قصد به مطلق المسافة نداشته و قصد به مسافت مخصوصه داشته و قصد مسافت بین قم و کاشان را داشته است و بعد تبدیل شد پس این قصد مسافت محقق نشده و با تبدیل قصد به شهر دیگر این قصد دوم هم که مسافت نیست اگر قصد او قصد کلی مسافت بوده در هنگام خروج از شهر پاسخ شما به اشکال اول صحیح بود اما او قصد مسافت خاصه داشته و دو تا قصد داشته، اولی که محقق نشده و دومی هم که مسافت نیست؛ خلاصه دو قصد سفر کرده اما اولی که بریده شده و دومی هم که مسافت نیست، پس باید تمام بخواند و نه قصر.

**پاسخ اشکال دوم: موضوع وجوب تقصیر دو جزء دارد که عبارتند از قطع مسافت و قطع مع القصد که هر دو در ما نحن فیه موجود است؛ بنابراین یجب علیه القصر ولا یجب علیه التمام.**

به عبارت دیگر آنچه موضوع وجوب تقصیر است دو جزء دارد:

۱. قطع مسافت؛

۲. قطع مع القصد باشد.

و هر دوی این اجزاء حاصل است برای این شخص؛ زیرا وقتی بخش اول سفر او را که مقصود بوده ضمیمه کنید با مقدار دیگر مسافت است و در هر دو بخش هم قصد مسافت بوده و هیچ وقت بدون قصد مسافت نبوده پس هر دو جزء وجوب تقصیر برای او حاصل شده هم جزء اول و هم جزء دوم و وقتی هر دو جزء موضوع وجوب تقصیر یعنی قصد و قطع المسافة حاصل شده است بنابراین یجب علیه القصر ولا یجب علیه التمام.

**اشکال سوم: «لبطلان المسافة الأولى بالرجوع عنها، وعدم بلوغ المقصد الثاني مسافة» ولذا لا یجب علیه التقصیر.**

مطلبی است که از شهید رحمته الله در روح الجنان نقل می شود عبارت ایشان این است که:

«لبطلان المسافة الأولى بالرجوع عنها، وعدم بلوغ المقصد الثاني مسافة»؛

ایشان می فرماید مسافت اولی که باطل شد و وقتی نیت او عوض شد دیگر سفر گذشته او سفر نیست و سفری که وجوب تقصیر دارد سفر به هشت فرسخی است و او دو فرسخ آمده و باقیمانده آن هم که مسافت نیست اشکال شهید رحمته الله این است لذا لا یجب علیه التقصیر.

**پاسخ اشکال سوم: أولاً لا معنى لبطلان المسافة الاولى، ثانياً موضوع وجوب تقصیر به نظر ما در اینجا محقق شده و لذا یجب علیه التقصیر.**

پاسخ ما این است که بطلان المسافة یعنی چه؟

مسافت اولی که باطل نمی شود لا معنی لبطلان المسافة الاولی.

زیرا مسافت اولی طی شده و قصد هم بوده و مسافت دوم هم ضمیمه و ادامه سفر اول است و لذا موضوع وجوب

تقصیر به نظر ما در اینجا محقق شده و لذا يجب علیه التقصیر.

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ